

استراتژی سیاسی - فرهنگی صادقین علیهم السلام در عبور از بحران‌های

پیش روی جامعه شیعی عصر غیبت براساس الگوی سوات (swot)*

سیدابراهیم معصومی^۱

داود فیض افرا^۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین مسئله جامعه شیعی در عصر غیبت، وجود الگو و راهبردی برای زیستن در جامعه بود این‌که آیا امامان شیعه برای زیست شیعیان در جامعه با سایر مذاهب و نحله‌های اسلامی استراتژی خاصی ارائه کردند یا خیر؟ از این رو مقاله حاضر برای تبیین الگوهای زیستی ارائه شده توسط امامان معصوم علیهم السلام، براساس چارچوب (swot) قوت - ضعف و فرصت - تهدید، استراتژی سیاسی - فرهنگی صادقین علیهم السلام در عبور از بحران‌های پیش روی جامعه شیعی در مواجهه با سایر جریان‌ها و نحله‌های فکری را مورد بررسی قرار داده است. در ابتدا با استفاده از روش سوات، محیط سیاسی داخلی و خارجی عصر صادقین علیهم السلام ذکر شده است. محیط داخلی جامعه شیعی از لحاظ قوت (S) مانند: تشکیل مکتب علمی، گسترش جغرافیای تشیع و وضعیت فرهنگی جامعه شیعی و ضعف (W) مانند: ضعف اقتصادی شیعیان، وضعیت خفقان سیاسی - اجتماعی حاکم بر شیعیان، انشعاب و پیدایش فرقه‌های شیعی و قیام زید و فرزندش یحیی، سپس محیط خارجی جامعه شیعیان از لحاظ فرصت (O) مانند: درگیری امویان و عباسیان، تأسیس حکومت عباسیان و رفع ممنوعیت حدیث و تهدید (t) مانند: جریان‌های فکری سیاسی عصر صادقین، رواج احادیث ساختگی و مجعول و عملکردهای حکومت‌های وقت می‌باشد؛ در نهایت با تلفیق الگوی ضعف - تهدید (wt)، استراتژی فرهنگی: استقامت، مدارا و صبر و براساس الگوی قوت - تهدید (st) و استراتژی سیاسی: بنیان‌گذاری و گسترش سازمان وکالت و تبری برای زیست و عبور شیعیان از بحران‌های پیش رو در جامعه، برای عصر غیبت ارائه شده است.

واژگان کلیدی

استراتژی، فرهنگی، سیاسی، صادقین علیهم السلام، جامعه شیعی، عصر غیبت و سوات (swot).

مقدمه

بعد از دوره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جامعه اسلامی به دلیل بحران جانشینی نتوانست در مسیر اصلی

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۳۰

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) (masomi6228@kashanu.ac.ir).

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس (Feizafra@chmail.ir).

ادامه یابد و رهبری امت اسلامی در میان امویان و عباسیان مصادره گردید و امامان معصوم علیهم السلام که به حق شایسته خلافت بعد از ایشان بودند از صحنه سیاسی جامعه اسلامی کنار زده شدند، بعد از شهادت امام حسین علیه السلام حاکمیت موجود، از حضور ائمه علیهم السلام در جامعه احساس خطر کرد لذا برای حفظ حکومت خود، امامان معصوم و جامع شیعی را در تنگناهای شدید قرار دادند تا جائی که ائمه علیهم السلام برای حفظ هویت و بقای شیعیان، آنها را امر به تاکتیک تقیه و اختفای اسرار می نمودند، و مبارزه با حاکمیت جور را در اشکال غیرعلنی هدایت می کردند در این میان، امام باقر و امام صادق علیهم السلام در برهه خاصی از حاکمیت سیاسی، گذر از امویان به عباسیان حضور داشتند که این برهه هم تهدیدها و هم فرصت های خاصی را برای شیعه ایجاد کرده بود و ایشان با وجود مشکلات و سختی های فراوان، با ارائه رهیافت ها و استراتژی های متفاوتی (ارائه راهبردها در قالب روایات فراوان وارد شده از این دو امام بزرگوار) سعی کردند شیعیان را از این پیچ خطرناک تاریخی عبور داده تا حیات آنها را در جامعه ای که شیعه جایگاهی نداشت حفظ نمایند. این نوشتار بر این باور است که در آن شرایط سیاسی که عرصه بر مکتب اهل بیت علیهم السلام تنگ شده بود، برای برون رفت از وضعیت خفقان آن روز شیعه نیازمند راهبردهای کارآمد بود و ائمه علیهم السلام بهترین راهبردها را ارائه کردند، برای تبیین این راهبردها بر پایه چارچوب و روش سوات^۱ شرایط سیاسی تحلیل و ضرورت و اهمیت راهبردهای برون رفت از آن شرایط ذکر شده است. اما مقصود از راهبردها در فرآیند دستیابی به اهداف، مهم ترین عناصر کلیدی هستند که به منزله پل ارتباطی تلقی می شوند. راهبردها، جامعه را از وضع موجود به وضع مطلوب می رسانند و با سامان دادن به روش های دستیابی و تاکتیک های حرکت، شکاف بین اهداف و تاکتیک ها را پر می کنند. برخی از محققان آن را به معنای علم و فن توسعه و کاربرد قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی یک ملت به هنگام صلح و جنگ به منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست های ملی و افزایش احتمال پیروزی و تقلیل احتمال شکست تعریف کرده اند (روشندل، ۱۳۷۰ ش: ۲۳۵-۲۴۲). گاهی راهبرد با رویکردهای معرفتی در حوزه دانش، هنر یا فن خاص تعریف شده است و گاهی فراخ تر از رویکردهای خاص در معنایی جامع، به مجموعه ظرفیت های سامان داده شده ای از دانش، هنر و فن در به کارگیری فرصت ها و ظرفیت های یک ملت برای تأمین اهداف سیاسی آن، استعمال شده است.

1 . swot metode

روش تحقیق

گروه‌ها و سازمان‌های مختلف برای حفظ موجودیت خود با اتخاذ بهترین و دقیق‌ترین نقشه‌ها و تصمیم‌ها اهداف خود دنبال می‌کنند. آنها با بررسی و شناسایی عوامل درونی مانند: نقاط قوت و ضعف و عوامل بیرونی مانند: فرصت و تهدید، راهکار و راهبردهای مناسب و دقیق برای بیرون رفتن از وضعیت موجود جهت رسیدن به وضعیت مطلوب ارائه می‌کنند. لذا مدیریت راهبردی با در نظر گرفتن عناصر: قوت، ضعف، فرصت و تهدید و همچنین با آمیختن این موارد بایکدیگر جهت مقابله و مبارزه با بحران‌های پیش رو، راهبردهای منظم و دقیق را ارائه می‌کند.

نظریه راهبرد سوات (SWOT) برای اولین بار در سال ۱۹۵۰ مطرح شد. این روش در همان دهه به دلیل موفقیت‌هایی که کسب کرد به عنوان بهترین ابزار مدیریت معرفی و شناخته شد (پیرس، رابینسون، ۲۷۰). در این روش، ابتدا اهداف و رسالت سازمان یا گروه مشخص شده سپس در گام بعدی، متناسب با محیط و شرایط آن سازمان یا گروه، برای آن استراتژی طراحی کرد. در این مقاله با استفاده روش مذکور در مرحله اول به تجزیه تحلیل محیط‌های داخلی (جامعه شیعی) و خارجی (جامعه غیرشیعی) پرداخته و در مرحله دوم راهبردهای مورد نظر ارائه می‌شود.

شکل: نمایش ماتریس‌های مورد استفاده در روش تحلیل SWOT

محیط داخلی

عوامل استراتژیک	فهرست قوت‌ها (S)	فهرست ضعف‌ها (W)
فهرست فرصت‌ها (O)	استراتژی‌های SO	استراتژی‌های WO
فهرست تهدیدها (T)	استراتژی‌های ST	استراتژی‌های TW

محیط خارجی

شکل: نمایش دیگر ماتریس‌های مورد استفاده در روش تحلیل SWOT

نقاط قوت S	نقاط ضعف W	SWOT
فهرست نقاط قوت	فهرست نقاط ضعف	
استراتژی‌های SO	استراتژی‌های WO	فرصت‌ها O

فهرست فرصت‌ها	با نقاط قوت از فرصت‌ها استفاده کنید	با فرصت‌ها نقاط ضعف را از بین ببرید
تهدیدات T	استراتژی ST	استراتژی‌های WT
فهرست تهدیدات	برای احتراز از تهدیدات از قوت‌ها استفاده کنید	نقاط ضعف را کاهش دهید و از تهدیدات بپرهیزید

شکل: استراتژی ارائه شده با الگوی ضعف - تهدید و قوت - تهدید

		محیط داخلی	
		W (ضعف)	S (قوت)
عوامل استراتژیک			
محیط خارجی	t (تهدید)	Wt	St
	استراتژی	۱. استقامت ۲. مدارا ۳. صبر	۱. تأسیس سازمان وکالت ۲. تبری

راهبرد سیاسی

راهبرد، عنصری در یک ساختار چهار بخشی است: اولین بخش، اهدافی مورد نظر می‌باشد. دومین بخش، استراتژی‌های مورد نظر برای دستیابی به آن اهداف بوده و همچنین چگونگی تخصیص منابع برای رسیدن به هدف مورد نظر است. سومین بخش، تاکتیک‌ها به مفهوم استفاده عملی از منابع اختصاص یافته می‌باشد. چهارمین بخش، خود منابع و راه‌ها و روش‌ها هستند. بر این اساس راهبرد معمولاً شکاف بین اهداف و تاکتیک‌ها را پر می‌کند. "لیدل هارت" بر این اعتقاد بود که راهبرد باید پلی باشد برای تحقق هدف‌های سیاسی یک کشور، که تأمین امنیت ملی در رأس آن قرار دارد. به واسطه گستردگی در معنای راهبرد، انجمن تحقیقات نظامی وابسته به وزارت دفاع آمریکا نیز با تسری بخشی بیشتر به معنای این واژه، راهبرد را علم و فن توسعه و کاربرد قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی یک ملت به هنگام صلح و جنگ به منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمال پیروزی و تقلیل احتمال شکست تعریف کرد (روشندل، ۱۳۷۰ش: ۲۳۵-۲۴۲؛ غفاریان وفا، کیانی، ۱۳۸۷ش: ۱۵؛ طباطبایی و قیاسی، ۱۳۹۲ش: ۱۰؛ فدوی بنده قرائی، کرامیان، ۱۳۹۲ش: ۱۲).

بدین ترتیب مفهوم راهبرد از معنای نظامی خود به راهبرد ملی تبدیل شد که امروزه نیز در مفهوم گسترده‌تری تحت عنوان راهبرد جامع یا راهبرد کلان مورد استفاده قرار می‌گیرد. راهبرد



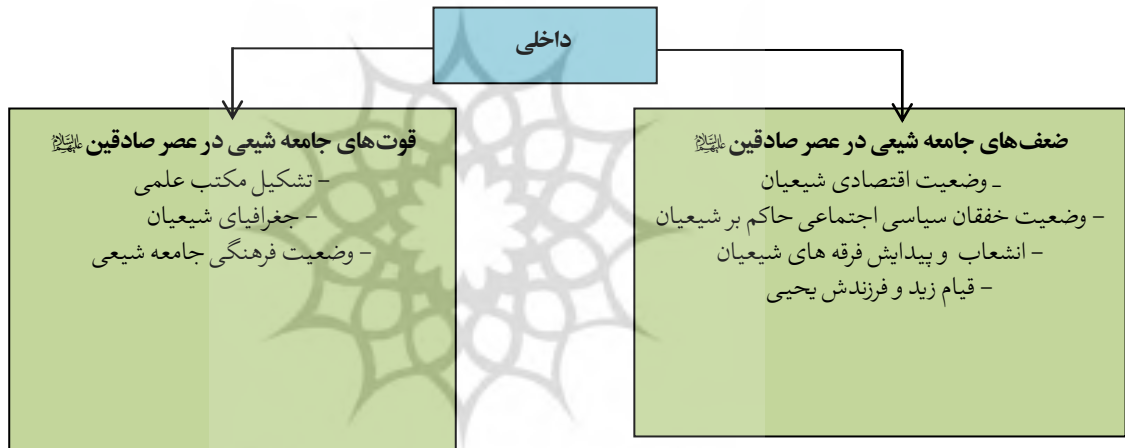
جامع بیانگر فن، هنر یا دانش تصمیم‌گیری‌های منظم از طریق اطلاعات در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی است (روشندل، ۱۳۷۰ش: ۲۳۵-۲۴۲).

براساس آنچه که گذشت می‌توان گفت:

راهبرد سیاسی، عبارت است از دانش، هنر و فن به کارگیری نیروی یک ملت برای تأمین اهداف سیاسی آن. یعنی تصمیم‌گیری‌های منظم در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی برای حصول به اهداف ملی را راهبرد ملی و مترتب بر آن، تصمیم‌گیری در امور مربوط به سیاست و سایر امور در جهت تحقق اهداف و منافع ملی را راهبرد سیاسی گویند (همان).

شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی عصر امام باقر و امام صادق علیه السلام

شکل: تجزیه و تحلیل نقاط قوت و ضعف در محیط داخلی و خارجی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ویژگی‌های محیط درونی جامعه شیعی

نقاط قوت

مهم‌ترین نقاط قوت جامعه شیعی در عصر این دو امام بزرگوار عبارتست از:

۱. تشکیل مکتب علمی

امام باقر و امام صادق علیهما السلام، با استفاده از شرایط خاص سیاسی جامعه آن روز، و با توجه به جایگاه علمی که داشتند پایه‌گذاران بزرگ‌ترین نهضت علمی در عصر تاریخ شدند و مکتب علمی در ابعاد مختلف عقلی و نقلی تشکیل داده و به تعلیم و تربیت دانشمندان مختلف پرداختند. در محفل علمی ایشان افرادی چون: محمد بن مسلم، جابر جعفی، زرارة بن اعین، ابوبصیر الاسدی، فضیل بن یسار، محمد بن مسلم الطائفی، برید بن معاویه العجلی، هشام بن حکم، مؤمن الطاق، مفضل بن عمر جعفی و... را می‌توان نام برد، در کتب رجالی، اصحاب و شاگردان امام باقر و امام صادق علیهما السلام تا چهار هزار نفر نقل شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۷ق: ۲۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۱، ۸۳، ح ۳؛ ذهبی، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ۱۶۶؛ خوبی، ۱۳۷۲ش: ج ۴، ۱۵۱).

۲. جغرافیای شیعیان

هسته اولیه شیعیان در عربستان شکل گرفت و تا پایان قرن نخست هجری بیشترین فعالیت آنها در مکه و مدینه و چند شهر دیگر عراق بود، البته معارف اصیل تشیع تا حدودی به سایر بلاد اسلامی راه یافته بود. در این میان کوفه در رشد و گسترش تشیع سهم قابل ملاحظه‌ای داشته است و دلیل عمده تشیع و رشد آن در کوفه، مرکزیت خلافت حضرت علی علیه السلام در این شهر بوده است، همچنین شهر «بصره» که پس از اسلام در حدود سال ۱۵ ه.ق پدید آمد، همچنین در منابع مختلف تاریخی، از حضور شیعیان در مدائن از دهه‌های نخست تاریخ اسلام سخن گفته شده است (میرسلیم و حداد عادل، ۱۳۷۸ش: ج ۴۷۲؛ مسعودی، ۱۳۶۷ش: ج ۱، ۶۶۳؛ طبری، ۱۹۸۷م: ج ۴، ۳۴۵؛ مقدسی، ۱۴۰۸ق: ۲۹۳). مصر نیز یکی از مهم‌ترین سرزمین‌های اسلامی است که در سال ۲۰ به دست مسلمانان فتح شد. مورخین بر این باور هستند که همزمان با ورود اسلام به مصر، تشیع نیز وارد این حیطة جغرافیایی شده است (مقریزی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ۸۱۵). همچنین در نیمه دوم قرن اول هجری در گرایش برخی از ایرانیان، خصوصاً مردم خراسان، به تشیع گزارش شده است (حموی یاقوت، ۱۹۹۰م: ج ۲، ۳۵۲؛ قمی، ۱۳۶۱ش: ۲۴۰؛ طبری، ۱۹۸۷م: ج ۴، ۳۴۵؛ فلوتن فان، ۱۳۲۵ش: ۱۱۳، خطیب، ۱۳۵۷ش: ۱۳۱).



۳. وضعیت فرهنگی جامعه شیعی

بعد از پیامبر ﷺ و تثبیت خلافت در خاندان امویان، اقداماتی برای محدود کردن اهل بیت پیامبر ﷺ در جامعه اسلامی و جاهل نگه داشتن مردم انجام گرفت، این اعمال باعث افول وضعیت فرهنگی جهان اسلام شد (مرتضی عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۸۰)، در این میان برجسته‌ترین شاخصه رفتاری شیعیان در عصر رهبری امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) که مانند دوران دیگر ائمه (علیهم السلام)، تبعیت از امامان معصوم بود، البته ولایت‌پذیری شیعیان براساس شناخت صحیح آن بزرگواران به عنوان رهبر، از سوی شیعیان بود. چون در نظام تشیع مسئله شناخت امامت مجرای شناخت خداوند نیز هست. البته در این بین، افرادی از شیعیان بودند که با ایشان مخالفت می‌کردند (یعقوبی، ۱۳۷۳ش: ج ۳، ۶۶؛ کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۲، ۱۸؛ محمد جعفری، ۱۳۷۳ش: ۳۴۸).

نقاط ضعف

مهم‌ترین نقاط ضعف جامعه شیعی در دوران امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) نیز عبارتست از:

۱. ضعف اقتصادی شیعیان

شیعیان به صورت طبیعی از بسیاری فرصت‌ها، که غیرشیعیان می‌توانستند بهره‌مند شوند، محروم بودند، همچنین امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) نیز آنان را از هرگونه همکاری و اشتغال به کارهایی که به گونه‌ای همکاری با حکومت جور شمرده می‌شد، منع کرده بودند. لذا شیعیان، از فرصت‌های شغلی آزاد که کمتر به حکومت مربوط می‌شد، همچون تجارت، صرافی و کارهای خدماتی و... استفاده می‌کردند شیعیان از لحاظ مالی و زندگی در یک طبقه نبودند برخی از شیعیان ثروتمند بودند. افرادی که زکات می‌پرداختند از زمره شیعیان ثروتمند بودند. همچنین در کنار شیعیان ثروتمند، فقر نیز در میان شیعیان عمومیت داشتو اکثر شیعیان در حالت فقر زندگی می‌کردند (طوسی ۱۴۱۰ق: ج ۴، ۹۶؛ حموی، ۱۹۹۰م: ج ۵، ۷۵؛ خویی، ۱۳۷۲ش: ج ۲، ۷۲ و ۱۵۷؛ علوی، ۱۳۷۶ش: ۲۱).

۲. وضعیت خفقان سیاسی - اجتماعی حاکم بر شیعیان

بعد از واقعه کربلا و اقدام حکومت وقت در به شهادت رساندن امام حسین (علیهم السلام) و به اسارت بردن خاندان اهل بیت (علیهم السلام)، خفقان سنگینی بر جهان اسلام سایه افکند اگرچه با قیام‌هایی مانند قیام توابعین، قیام مختار و... جرقه‌امیدی در آن خفقان بود ولی با سرکوب شدید آنان، این جرقه امید محو شد. فشاری که از ناحیه اموی‌ها بر شیعه اعمال می‌شد جز در دو سال

حکومت عمر بن عبدالعزیز - از ۹۹ تا ۱۰۱ - در تمام دوران حکومت آنان به شدت ادامه داشت (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۶، ۳۶۰). بعد از این که عباسیان با شعار «الرضا من آل محمد» بر مسند خلافت تکیه زدند. در دوران حکومت منصور عباسی، شدیدترین فشارها بر شیعیان اعمال شد. به طوری که اصحاب امام به منظور صیانت خود از گزند منصور، به تقیه روی آوردند همچنین سفارش های مکرر امام صادق علیه السلام بر تقیه، خود دلیل آشکاری بر وجود چنین فشار سیاسی بود. خطر هجوم بر شیعه چنان نزدیک بود که امام برای حفظ آنان ترک تقیه را مساوی ترک نماز اعلام فرمود (محمدحسین زبیدی، ۱۹۷۰م: ۲۰۴؛ خالد برقی، ۱۳۷۱ش: ۱۱۹؛ جعفریان، ۱۳۸۱ش: ۲۸۳-۲۸۱؛ شیخ حر عاملی، ۱۳۲۳ق: ج ۹، ۴۶۵).

۳. انشعاب و پیدایش فرق های شیعی

شیعیان بعد از عاشورا به چند گروه تقسیم شدند، گروه اول امامیه به رهبری امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بود. گروه دوم زیدیه است، که بعد از شهادت زید فرزند امام سجاد علیه السلام (طبری، ۱۳۷۱ش: ج ۳، ۲۰۵-۲۰۸)، فرزندش یحیی رهبر زیدیان شد (محری، ۱۳۸۲ش: ۱۵۰-۱۵۱). گروه سوم، حسنیان به رهبری عبدالله محض از فرزندان حسن بن حسن (حسن مثنی) هستند (مفید، ۱۳۷۶ش: ۱۱۹). حسنیان چون دنبال خلافت و قدرت سیاسی بودند، اعتقادی به نصب امام از طرف خداوند به نص آشکار (برخلاف امامیه) یا پنهان (برخلاف زیدیه) نداشتند (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ۳۰۵). گروه چهارم حنفیان به رهبری محمد بن حنفیه بودند؛ وی بعد از شهادت امام حسین علیه السلام داعیه دار امامت نبوده است ولی مقبولیت عامه (ابن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۲۶۴) و منتسب بودن برخی گروه ها به وی قطعی است (اشعری قمی، ۱۳۶۱ش: ۲۱). وی در سال ۸۱ هـ از دنیا رفت، حنفیان با مرگ وی پسرش، ابوهاشم، را با اعتقاد به نص محمد بن حنفیه بر امامت وی، به امامت برگزیدند. و پس از آن ابوهاشم رسماً به عنوان امام حنفیان فعالیت خود را آغاز کرد، حنفیان نیز مانند سایر گروه ها بر علیه امویان مبارزه می کرد، البته فعالیت ایشان بعد از شکست خوردن قیام مختار بیشتر به صورت مخفیانه صورت گرفت (دفتری، ۱۳۷۵ش: ۷۶). حنفیان پس از مرگ ابوهاشم به فرقه های گوناگونی در آمدند، اما اغلب آنان انتقال امامت از وی به محمد بن علی عباسی (عباسیان) را پذیرفتند و به طور کامل در عباسیان هضم شدند (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۷ق: ج ۴، ۲۳۷؛ مسعودی، ۱۳۶۷ش: ج ۲، ۸۰-۸۱؛ دفتری، ۱۳۷۵ش: ۷۶).

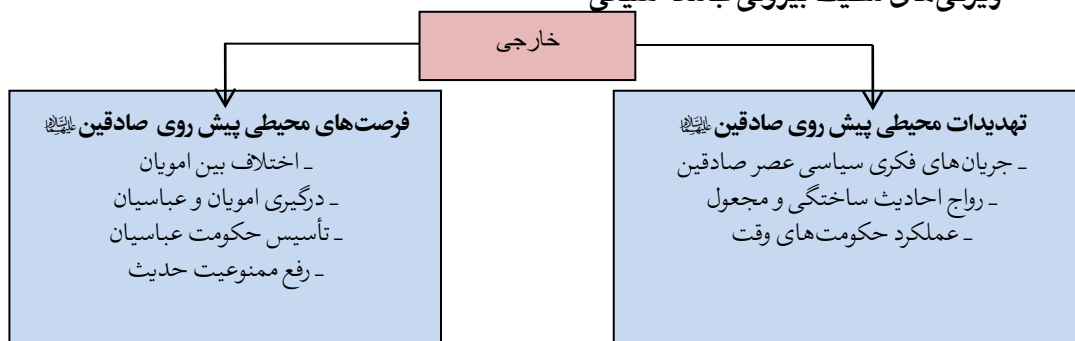
بنابراین پس از انشعاب شیعیان، آنها در مورد امام معصوم نیز دچار اختلاف شدند، احادیث

شیعه بر انتخاب امام باقر و امام صادق علیهم السلام به عنوان وصی و امام، توسط نص خاص و همچنین از سوی امامان قبلی وارد شده است، با این وجود، از چالش‌های امام باقر و امام صادق علیهم السلام، منازعات داخلی شیعیان برای اثبات حقانیت امامت و مصداق واقعی بودن آل محمد بود که از جمله آنها: ادعای امامت ابوهاشم فرزند محمد حنفیه، ادعای عبدالله محض برای امامت فرزندش «محمد نفس زکیه» و همچنین زید بن علی و یحیی بن زید را می‌توان نام برد (جعفری، ۱۳۷۳ش: ۲۸۹). لذا در صحبتی که میان امام باقر علیهم السلام با زید اتفاق افتاد، سعی امام بر تبیین مفهوم امامت و وظایف او به عنوان مفسر واقعی احکام الهی و جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله از طرف خدا بود و در این زمینه هم موفق به برگرداندن برخی از پیروان خود شد که به سوی زید رفته بودند، این موارد نشانگر آن است که در بین خاندان اهل بیت علیهم السلام کسانی بودند که می‌خواستند امامت را به خود اختصاص داده و از آن بهره ببرند و همچنین کسانی بودند که می‌خواستند اختلافی بین صفوف شیعیان انداخته و از آن به نفع خود سوءاستفاده کنند، اما امام باقر و امام صادق علیهم السلام با این تفکر مبارزه کرده و حافظ خط اصیل امامت بودند (کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ۳۵۴. کشی، ۱۳۴۸ش: ۲۷۶ و ۳۴۷؛ جعفری، ۱۳۷۳ش: ۲۹۰؛ شهرستانی، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۱۵۴؛ موسوی، ۱۴۱۱ق: ۲۶-۲۷).

۴. قیام زید و فرزندش یحیی

زید فرزند امام سجاد علیهم السلام با خون خواهی امام حسین علیهم السلام و با شعار «یا منصور اُمت» قیام کرد، قیام زید در زمان امامت امام صادق علیهم السلام اتفاق افتاد اما مقدمات آن در زمان امام باقر علیهم السلام شکل گرفت. وی پس از پشت سر گذاشتن درگیری‌های لفظی با هشام بن عبدالملک بر ضد بنی‌امیه در سال ۱۲۱ هـ. ق قیام کرد اما در اثنای جنگ به شهادت رسید و قیامش با شکست مواجه شد (مفید، ۱۳۷۶ش: ج ۲، ۱۷۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ۴۳۳-۴۳۴؛ طبری، ۱۹۸۷م: ج ۴، ۲۰۶؛ یعقوبی، ۱۳۷۳ش: ج ۲، ۲۸۹-۲۹۹). بعد از شهادت زید در سال ۱۲۱ هـ. پسرش یحیی، به خراسان رفت، در آن جا توسط نصر بن سیار زندانی شد اما پس از مرگ هشام، از زندان گریخت و مردم زیادی از شیعیان خراسان اطراف او جمع شدند، وی به سوی نیشابور آمد و با حاکم آن جا جنگید و او را شکست داد. در نهایت در سال ۱۲۵ هـ. ق در جوزجان، هنگام جنگ با سپاه بنی‌امیه کشته شد و نیروهایش پراکنده شدند (علی حسنی، ۱۳۸۰ق: ۲۵۶؛ مسعودی، ۱۳۶۷ش: ج ۲، ۲۱۰؛ محری، ۱۳۸۲ش: ۱۵۰-۱۵۱).

ویژگی‌های محیط بیرونی جامعه شیعی



فرصت‌های جامعه شیعی

مهم‌ترین فرصت‌های موجود در محیط خارجی جامعه شیعیان عبارتند از:

۱. اختلاف بین امویان

پس از بیعت گرفتن برای یزید توسط معاویه، اختلاف در بین خاندان امویان شروع شد (مقدسی، ۱۳۷۴ ش: ج ۲، ۹۰۱) و با مطرح شدن ولایت عهدی مروان این اختلاف شدت گرفت، زمانی که مروان به حکومت رسید (طبری، ۱۹۸۷ م: ج ۵، ۲۹۳-۲۹۴). امر بر این بود که بعد از او به ترتیب خالد بن یزید بن معاویه و سپس عمرو بن سعید بن عاص به حکومت برسند؛ اما مروان با این نیت که خلافت را در خاندان خود نگه دارد برای فرزندانش عبدالملک و سپس عبدالعزیز بیعت گرفت در واقع با این کار به اختلافات موجود دامن زد. لذا عمرو بن سعید بن عاص نیز با عبدالملک بیعت نکرد (دینوری، ۱۳۷۱ ش: ج ۳۳۱). با کشته شدن عمرو به دست عبدالملک، حکومت در خاندان مروان تثبیت شد (ابن سعد (کاتب)، ۱۳۷۴ ش: ج ۷، ۴۳۷). اما هم‌چنان مخالفت‌ها وجود داشت. قوم‌گرایی تا پایان حکومت بنی‌امیه ادامه داشته و باعث درگیری‌های مختلفی نیز بود علاوه بر این، عوامل خارجی نیز دست به دست هم داده و حکومت امویان را ساقط کرد (ابن خلدون، ۱۳۷۵ ش: ج ۱، ۵۷۱).

۲. درگیری امویان و عباسیان

پس از این‌که بنی‌امیه به قدرت رسیدند با روش‌های مختلفی ارتباط جریان اصیل و چهره درخشان اسلام ناب، و معارف امامان معصوم (ع) را با جامعه قطع کردند. این حرکت تا دوران امام صادق (ع) ادامه یافت تا این‌که در اوائل سده دوم هجری، عباسیان از فضای ضد اموی به وجود آمده در جامعه اسلامی استفاده کرده و با نام اهل بیت پیامبر (ع) با حکومت امویان را درگیر شده و سبب ضعف و افول قدرت سیاسی خاندان آنها شدند و در فرصت مناسب امویان را

از صحنه سیاسی جامعه اسلامی خارج کردند (مقدسی، ۱۳۷۴ ش: ج ۲، ۹۳۴؛ طقوش، ۱۳۸۰ ش: ۱۸۸؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۳۸۰ ش: ۳۴۵-۳۴۷؛ احمد بن اعثم کوفی، ۱۳۷۲ ش: ۸۱۳).

۳. تأسیس حکومت عباسیان

دوره امامت امام صادق (علیه السلام) مصادف با دوره ضعف و تزلزل حکومت بنی امیه و افزایش تبلیغات بنی عباس بود. عباسیان از زمان هشام بن عبدالملک تبلیغات و مبارزات سیاسی خود را به صورت رسمی آغاز کردند و در اکثر نقاط ممالک اسلامی با شعار «الرضا من آل محمد» بر علیه امویان تحرکات سیاسی به راه انداختند. البته کانون اصلی مبارزه خود را خراسان قرار دادند چون با ورود یحیی بن زید به آن دیار، مردم آن جا با اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آشنایی پیدا کرده و دوستدار اهل بیت (علیهم السلام) شدند. لذا خراسان فضای مناسبی برای جمع آوری نیرو با این شعار بر علیه امویان به شمار می رفت از طرفی نیز خراسان از کانون قدرت امویان دور بود و مزاحمت کمتری از طرف حکومت برای آنها به وجود می آمد. این عوامل دست به دست هم داده و باعث شد قیام عباسیان ثمربخش باشد، در نهایت عباسیان در سال ۱۳۲ هجری توانستند پیروز شوند و سلسله امویان را از تخت خلافت به زیر کشند. از آن جا که بنی امیه در این مدت گرفتار مشکلات و قیام‌های اجتماعی و سیاسی فراوان بودند و فرصت تعرض و برخورد با امام صادق (علیه السلام) را نداشتند امام از این فرصت استفاده کرده و فعالیت علمی خود را با تربیت شاگردان و نشر معارف نبوی انجام داد، از طرفی بنی عباس نیز که با شعار «الرضا من آل محمد» حکومت را به دست گرفته بودند، در اوایل حکومت نوپای خود به خاطر تثبیت قدرت و اقتدار و مشروعیت بخشیدن به دولت خود، تا حدودی شیعیان، مخصوصاً امام صادق (علیه السلام) آزادی عمل دادند تا بتوانند پایه‌های قدرت خود را تثبیت کنند. به خاطر همین در زمان خلیفه اول عباسیان، «ابوالعباس سفاح» آن حضرت را از مدینه به عراق طلبید و بعد از مشاهده معجزات بسیار و علوم بی شمار و مکارم اخلاق آن امام عزیز نتوانست اذیتی به آن جناب رساند و حضرت را مرخص ساخت و به مدینه فرستاد. امام صادق (علیه السلام) نیز از این فرصت استفاده کرد و به گسترش معارف نبوی پرداخت و شاگردان متعددی در رشته‌های مختلف تربیت کرد اما بعد از تثبیت نسبی قدرت در زمان منصور، بیشترین برخورد حضرت با وی صورت گرفت و رفته رفته اختناق دوره امویان دوباره به جامعه برگشت و عملاً امام را از فعالیت‌های علمی و فرهنگی باز داشت (یعقوبی، ۱۳۷۳ ق: ۳۴۳؛ طبری، ۱۳۶۳ ش: ج ۱۱، ۴۶۱۴؛ دینوری، ۱۳۷۱ ش: ۴۰۰).

۴. خلافت عمر بن عبدالعزیز (۹۹ - ۱۰۱)

قبل از حکومت عمر بن عبدالعزیز، تبعیض‌های اقتصادی و اجتماعی زیادی از سوی خلفا نسبت به بنی‌هاشم و خاندان اهل بیت علیهم‌السلام انجام می‌شد. عمر بن عبدالعزیز در اولین گام تبعیض‌های مربوط به پرداخت سهم از بیت‌المال نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام را از بین برد و همانند سایر طوایف و قبایل و طبقات در خور نیازشان سهم پرداخت کرد. خط مشی و سیاست‌های عمر بن عبدالعزیز در مقایسه با سایر خلفای اموی بسیار فرق داشت. فضای فعالیت‌ها برای ترویج معارف اسلامی و بسط علم و فقه مناسب‌تر شد و فشارها نسبت به خاندان اهل بیت علیهم‌السلام کمتر شد. از کارهای بسیار مهم عمر بن عبدالعزیز، ممنوع ساختن سب حضرت علی علیه‌السلام بر روی منابر، برگرداندن فدک به اهل بیت علیهم‌السلام و رفع ممنوعیت تدوین و نقل حدیث است. پس از فرمان عمر بن عبدالعزیز، به تدریج دانشمندان مسلمان به تدوین و جمع‌آوری احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روی آوردند و با این کار تا حدودی روایات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جمع‌آوری و ثبت و ضبط شد (سیوطی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۶۴؛ مدیر شانه‌چی، ۱۳۶۲ش: ۳۰؛ سبحانی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۵۸-۷۳).

تهدیدهای جامعه شیعی

مهم‌ترین تهدیدها در محیط خارجی جامعه شیعیان عبارت است از:

۱. جریان‌های فکری سیاسی عصر صادقین علیهم‌السلام

الف) جبریه و قدریه

جریان فکری جبریه و قدریه در زمان حکومت معاویه ایجاد شدند آنها عقیده داشت که انسان از خودش هیچ‌گونه اختیاری ندارد و مجبور است لذا تمامی اعمالی که انجام می‌دهد غیر ارادی است و باید در برابر تمامی امور تسلیم باشد. در مقابل، قدریه اعتقاد داشتند هر بنده‌ای به وجود آورنده فعل خود است و خدا او را خلق کرده و تمامی امور را به خودش واگذار کرده است و انسان حتی در اسباب کار یا انگیزه آن هم مختار است (دشتی، ۱۳۷۶ش: ج ۸، ۲۶۱).

ب) قیاس‌گرایی

جریان قیاس‌گرایی، در زمان امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام ظهور کرد و مبتکر این جریان ابوحنیفه بود. جریان قیاس‌گرایی زمینه بسیاری از بدعت‌ها و انحرافات را به وجود آورد، شالوده و بنیان این جریان مسئله عمل به قیاس (مقایسه احکام خدا با یکدیگر) و استحسان

بود. نتیجه قیاس و استحسان در حقیقت به اعمال نظر شخصی و سلیقه‌ای در دین خدا و خروج از دستورالعمل پیامبر ﷺ است (خالد برقی، ۱۳۷۱ش: ج ۱، ۳۳۸؛ مشکور، ۱۳۶۸ش: ۳۵۸).

ج) مرجئه

مرجئه یکی از فرقه‌های فکری بود که دنبال توجیه ستم خلفای بنی‌امیه در قالب اندیشه‌های کلامی بود. مرجئه بر این باور بودند که مرتکب گناهان کبیره، مخلد در دوزخ نمی‌ماند، بلکه کار او را به خدا وا می‌گذاشتند و به این دلیل آنان را مرجئه می‌خواندند. مرجئه طرفدار روح امید و رجاء بود. آنان نیت و ایمان درونی را کافی می‌دانستند و عمل صالح را در جامعه لازم نمی‌دیدند و بر این باور بودند که خدا نیز بر آن بسنده می‌کند و عذاب‌شان نخواهد کرد (شهرستانی، ۱۳۹۵ق: ۲۵ و ۶۰؛ حسینی، ۱۳۷۶ش: ج ۹، ۲۶۹).

د) زنادقه

فعالیت زنادقه بر ایجاد شک و تردید در دین و القای شبهه در بین مردم بود، یکی از مستمسک‌های زنادقه در مجادله با مسلمانان، ترویج عقاید دهری‌گری بود. دهریون، دهر و زمان را سبب هلاک انسان و موجب اجرای تقدیر می‌دانستند و معتقد بودند که تنها حیات این جهان اعتبار دارد و با مرگ انسان، همه چیز تمام می‌شود و آنچه که انسان را هلاک می‌کند و از بین می‌برد، گذشت زمان است (زرین کوب، ۱۳۸۶ش: ۵۰۴-۵۰۵).

ه) خوارج

خوارج پس از داوری بین امام علی علیه السلام و معاویه در جنگ صفین پدید آمد. آنان امام علی علیه السلام، معاویه، عثمان و حکمین را کافر شمردند؛ چون قائلند که آنان حکمین را در مقابل حکم خدا انتخاب کردند لذا مرتکب گناه کبیره شدند و قائلند بر این که مرتکب گناهان کبیره کافر بوده و ریختن خون‌شان مباح است. آنها در حکومت‌داری مخالف ارباب رعیتی بودند و با نظر مخلوق بودن قرآن به شدت مخالف بودند (طبرسی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ۱۷۴؛ شهرستانی، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۵۰).

۲. رواج احادیث ساختگی و مجعول

در پی انحرافات عمیقی که پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به جزء دوران امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام دامن گیر جهان اسلام شد، جلوگیری از تدوین احادیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود، آثار زیان بار این عمل، سالیان طولانی بر پیشانی فرهنگ دینی جامعه اسلامی باقی ماند. نزدیک به یک قرن از نگاشتن و محفوظ داشتن احادیث نبوی صلی الله علیه و آله جلوگیری شدید به عمل آمد و به

جای آن سیل عظیمی از تحریفات و احادیث ساختگی توسط افرادی از جمله: ابوهریره و... وارد جامعه شد. چون تدوین و نقل احادیث پیامبر ﷺ ممنوع شده بود، آنها از این فرصت استفاده کرده و روایات دروغ و بی اساس را به نفع حکومت و مشروع جلوه دادن ماهیت حکومت نقل می کردند (ذهبی، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ۷؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۲۱ق: ج ۴، ۶۳-۶۸ و ج ۱)، ۴۶-۴۴؛ پیشوایی، ۱۳۷۵ش: ۳۲۵).

۳. عملکرد حکومت‌های وقت

بعد از واقعه عاشورا، امویان به صورت آرام بر تمامی ممالک اسلامی سیطره پیدا کرده و اهل بیت پیامبر ﷺ را از جامعه اسلامی دور کردند. این سیاست تا پایان حکومت امویان ادامه داشت، همچنین وقتی عباسیان به حکومت رسیدند منصور دوانیقی نیز عرصه را چنان بر شیعیان تنگ کرد که امام صادق علیه السلام مجبور شد یاران خود را امر به تقیه کند، این فضا در مدت حکومت امویان و عباسیان هم چنان ادامه داشت و تهدید جدی برای شیعیان به شمار می رفت (جعفریان، ۱۳۸۱ش: ۳۱۷-۳۲۵؛ قرشی، ۱۴۰۴ق: ۱۹۸۴م: ج ۲، ۵۱-۵۲).

راهبردهای سیاسی امام باقر و امام صادق علیه السلام

راهبردهای ارائه شده با الگوی ضعف - تهدید و قوت - تهدید

		محیط داخلی	
		W (ضعف)	S (قوت)
محیط خارجی	t (تهدید)	Wt	St
	راهبردهای ارائه شده	۱. استقامت در امر غیبت؛ ۲. صبر در امر غیبت	۱. تأسیس سازمان وکالت

راهبردهای ارائه شده بر اساس الگوی ضعف - تهدید

امام باقر و امام صادق علیه السلام در شرایط حساس جامعه آن روز که بسیار برای شیعیان خطرناک بود و کوچک ترین اجازه ای به شیعیان در امور اجتماعی و سیاسی داده نمی شد و احتمال آن می رفت که شیعیان در برابر سختی ها، شکنجه ها و تبعیض های موجود، در ادامه مسیر خسته شده و در جامعه غیرشیعی هضم شوند لذا امام باقر و امام صادق علیه السلام با امید دادن به شیعیان درباره حکومت منجی آخرالزمان و حکومت عدل، که در آینده خواهد آمد راهبرد استقامت و

صبر در امر غیبت را برای شیعیان ارائه نمودند تا شیعیان با این معارف دست از اهداف خود بر نداشته و به مسیر خود ادامه دهند، شاهد بر مدعای فوق، روایات فراوانی است که توسط این دو امام بزرگوار برای شیعیان صادر شده است توضیح این که در این روایات برنامه و الگوی زیست جامعه شیعی در بین سایر مذاهب و نحله‌های اسلامی و غیر اسلامی ارائه شد.

۱. استقامت در امر غیبت

استقامت از ریشه «قوم» است و برای آن معانی مختلفی مانند: اعتدال، ثبات، استمرار، پایداری و ایستادن را ذکر کرده‌اند و در اصطلاح به معنای پافشاری و پایداری در اصل دین و ارزش‌های دینی و عدم انحراف از راه حق به بیراهه‌های کفر و شرک و نفاق است که بیشتر بعد فکری و عقیدتی در آن لحاظ شده است و همچنین به معنای شکیبایی در برابر سختی‌های اطاعت و دشواری‌های مصائب و عدم تمکین در برابر ستمگران و زورگویان است که بیشتر در مقام عمل متصور است (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۷، ۵۹۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۱، ۴۷۴۸).

بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) حکومت‌های وقت از پتانسیل شیعیان و بنی‌هاشم آگاهی یافته و همیشه آنها را در سختی و تنگنا نگه داشته و مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند، این سختی و مشکلات باعث شد شیعیان زندگی سختی را داشته باشند و متحمل دردها و رنج‌هایی فراوانی شوند البته با تحمل مشکلات و مصائب، از عقاید خود دست برداشته و حاکمیت غیر ائمه (علیهم السلام) را قبول نمی‌کردند، و تا جایی که ممکن بود در مقابل مشکلات و شکنجه‌های حکومت، صبر و استقامت می‌ورزیدند، باقرین (علیه السلام) نیز بر امر استقامت در برابر مشکلات و پای بندی به ولایت ائمه (علیهم السلام) تأکید داشتند، از طرفی این دو امام بزرگوار با ارائه راهبرد در قالب روایات استقامت به عنوان راهبردهای سیاسی برای جامعه شیعیان عصر حضور و عصر غیبت شیعیان را در این امر دلگرمی داده و رفته رفته جامعه اسلامی را برای ورود به عصر غیبت و مشکلات پیش روی آن آماده می‌کردند، امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) با توجه به شرایط سیاسی جامعه اسلامی در عصر امویان و عباسیان راهبرد استقامت را برای شیعیان ارائه کردند تا شیعیان با عمل به این راهبرد، در راه خود ثابت قدم باشند، و از راه ولایت ائمه (علیهم السلام) منحرف نشده و به سر منزل سعادت نائل آیند.

از امام باقر (علیه السلام) درباره استقامت در دوران غیبت نقل شده که فرمودند:

پایداری کنید بر ادای واجبات و در برابر دشمنان استقامت بورزید و با امامتان پیوند برقرار کنید (اسدی، ۱۳۷۷ش: ۲۱-۴۴).

همچنین ایشان درباره صبر در برابر دشمنان در عصر غیبت می‌فرماید:

ای مؤمنان! در به جا آوردن امور واجب خود، تحمل داشته باشید و در برابر دشمنان تان پایداری ورزید، همدیگر را به شکیبایی سفارش نماید و با امام منتظر خود، پیوند و رابطه ناگسستنی داشته باشید (نعمانی، ۱۴۰۳ق: ۳۳۰).

از امام باقر علیه السلام درباره ثواب شکیبایی در امر غیبت، به جابر جعفی فرمودند:

زمانی بر مردم خواهد آمد که در آن زمان، امام‌شان غائب خواهد شد؛ پس خوشا به حال کسانی که بر امر ما ثابت باشند؛ همانا کمترین پاداش ایشان، آن است که خداوند خطاب به آنان می‌فرماید: بندگان من! به سر من ایمان آوردید و غیبت حجت مرا تصدیق نمودید؛ پس به بهترین پاداش از سوی من بر شما بشارت باد! بندگان من شما را بر شما می‌پذیرم و شما را عفو می‌نمایم و به وسیله شما، رحمت و باران را بر بندگانم نازل می‌کنم و برای شماست که از بندگان بلا و عذاب را دور می‌کنم (ابن بابویه، ۱۳۵۹ش: ج ۱، ۳۳۰).

امام صادق علیه السلام در مورد شکیبایی در امر غیبت فرمود:

هر که چشم به راه دولت ما باشد و بر آزار و ترسی که می‌بیند، شکیبایی ورزد، فردای قیامت در زمره ما محشور می‌گردد (کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۸، ۳۶).

محمد بن مسلم درباره شکیبایی در عصر غیبت از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند:

پیش از آمدن قائم علیه السلام علامت‌هایی برای امتحان مؤمنین خواهد بود. عرض کردم: آن علامت‌ها چیست؟ فرمودند: «بیماری‌های گوناگون که سبب ترس و دلهره است و بالا رفتن نرخ‌ها که سبب گرسنگی است و کاهش در اموال و جان‌ها که سبب قحطی و مرگ و میر فراوان است و نقص در محصولات که به نیامدن باران است، پس در آن موقع به آنها که در عقیده به ما ثابت می‌مانند مزده بده (قندوزی، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ۲۳۵).

روایات فوق بیانگر آن است که ولایت ائمه علیهم السلام و امامان معصوم علیهم السلام از اهمیت بلندی برخوردار هستند که باقرین علیهم السلام در تمامی مراحل، شیعیان را برای حفظ آن، امر به استقامت و شکیبایی می‌کنند، ایشان از هر فرصت و موقعیتی استفاده می‌کردند تا شیعیان را نسبت به این امر خطیر گوشزد کنند تا مبادا غفلتی از آنان سرزند و مخالفین از این غفلت سوءاستفاده کرده و در صفوف ایشان رخنه کند. راهبرد استقامت از سوی باقرین علیهم السلام یکی از مهم‌ترین راهبردی است که باید شیعیان در عصر غیبت همیشه در کنار راهبردهایی مانند: تقیه، مدارا، دعا و...

مورد توجه قرار دهند تا در خط مستقیم ولایت حرکت کنند.

۲. مدارا

امام باقر و امام صادق علیهما السلام در جامعه ای زندگی می کردند که حکومت در اختیار نیروی رقیب قرار داشت و تمامی تحرکات این دو امام زیر ذره بین حکومت بود، به خاطر همین آن دو بزرگوار نمی توانستند فعالیت گسترده ای انجام دهند، از طرفی هم هرچه جامعه اسلامی به جلو حرکت می کرد یک قدم به دوره غیبت نزدیک می شد و جامعه اسلامی به خصوص شیعیان باید آمادگی لازم برای ورود به آن عصر را پیدا می کردند، لذا ایشان با توجه به نقاط ضعف موجود در جامعه شیعیان و همچنین با در نظر گرفتن فرصت های پیش روی آنان، راهبردهایی را ارائه کردند. حسن معاشرت، مدارا و زندگی با اهل سنت و حضور در مجامع و محافل عبادی و اجتماعی آنان، برای حفظ وحدت و اتحاد اسلامی از دیدگاه امام باقر و امام صادق علیهما السلام ضروری و لازم است مدارای زمانی است که شیعیان در حالت ضعف قرار دارند و نمی توانند با نیروی رقیب خود وارد تخاصم شوند در این حالت از فرصت تعایش استفاده کرده و با آنها مدارا می کنند.

امام صادق علیه السلام درباره مدارا و چگونگی معاشرت با اهل سنت می فرماید:

معاویة بن وهب می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چگونه باید با خود و قوم خود و کسانی از اهل سنت که با آنها معاشرت داریم، بر ولایت شما همانند ما نیستند رفتار نمائیم؟ حضرت فرمود: نظر به امامان خود کنید؛ کسانی که به آنها اقتدا می نمائید، هر کاری که آنان کردند شما نیز چنین کنید. به خدا سوگند که امامان شما بیماران آنها را عیادت می کنند و در تشییع جنازه شان حاضر می شوند و به نفع و ضرر آنها گواهی می دهند و امانت را به آنها باز می گردانند (کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۲، ۶۳۶).

معاویة بن وهب می گوید، به امام صادق علیه السلام عرض کردم: رفتار بایسته ما با اقوام مان و آنان که با آنها معاشرت داریم و شیعه هم نیستند چیست؟ امام فرمودند:

به پیشوایان خود نگاه کنید و از آنان پیروی کنید، آن گونه که آنان رفتار می کنند شما نیز همان طور رفتار کنید، به خدا سوگند آنان به عیادت بیماران غیرشیعه شان می روند و بر جنازه های شان حاضر می شوند و به سود و ضرر آنها (هرچه حق باشد) گواهی می دهند و امانت های آنان را به آنها برمی گردانند (همان).

از مجموع روایات ذکر شده درباره تعامل و مشارکت با عامه (اهل سنت) استنباط می شود زمانی که شیعیان در حالت ضعف قرار دارند و نیروی کافی برای تشکیل حکومت یا مقابله با

نیروی رقیب را ندارند، برای این که وحدت، جان، ناموس و اموال شیعیان حفظ شود با کسانی که از لحاظ عقیدتی با شیعیان اختلاف دارند به صورت تعایش، تعامل و مدارا برخورد کنند و در تمامی مراسمات عمومی و معاشرتی با آنها به صورت طبیعی عمل نمایند.

۳. صبر در عصر غیبت

صبر در لغت به معنای حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن است (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ۷۱). صبر در امر غیبت یعنی: شکیبایی و صبر در برابر مشکلات، چون روح و جوهر اصلی انتظار، مقاومت و صبر است. کسی که منتظر تحقق یافتن هدف آرمانی است باید تا فرارسیدن زمان پیدایی هدف و شکل گرفتن آرمان، صبر کرده و در مقابل مشکلات صبور باشد، زیرا که پایداری و صبر، تحقق بخش جوهر انتظار است. از این رو، همواره خصلت الهی و حیاتی انتظار با صبر و پایداری قرین گشته است. لذا در احادیث از انتظار در پرتو صبر یاد شده است (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۹ش: ج ۲، ۴۱۱-۴۲۶). امام باقر و امام صادق علیهما السلام در روایات بر این امر مهم تأکید داشتند که جامعه اسلامی و شیعیان در نبود امام در برابر مشکلات صبور باشند و از اهداف و آرمان خود دست نکشند و منتظر ظهور منجی آخرالزمان باشند تا با آمدن آن زمین پر از قسط و عدل شود چنان که قبل از ایشان پر از ظلم و جور شده است. امام باقر و امام صادق علیهما السلام با بررسی وضعیت شیعیان و همچنین شرایط سیاسی حاکم بر جامعه اسلامی راهبردهایی را برای شیعیان درباره غیبت و دوران آن ارائه فرمودند.

امام باقر علیه السلام درباره صبر در برابر دشمنان در عصر غیبت می فرماید:

ای مؤمنان! در به جا آوردن امور واجب خود، تحمل داشته باشید و در برابر دشمنان تان پایداری ورزید، همدیگر را به شکیبایی سفارش نماید و با امام منتظر خود، پیوند و رابطه ناگسستنی داشته باشید (نعمانی، ۱۴۰۳ق: ۳۳۰).

امام صادق علیه السلام درباره صبوری و تمسک به دین حق در عصر غیبت می فرماید:

خوشا به حال کسی که در غیبت قائم ما متمسک به امر ما شده و قلب او بعد از هدایت منحرف نشود (ابن بابویه، ۱۳۵۹ش: ج ۲، ۳۹؛ موسوی اصفهانی، ۱۳۷۹ش: ج ۲، ۲۹۰).

امام صادق علیه السلام در جواب کسی که از وقت امر غیبت پرسید و از طولانی شدن انتظارش

شکوه داشت، فرمود:

آرزوکنندگان دروغ گفتند و شتاب خواهان هلاک شدند و تسلیم شوندگان رهایی یافتند و شما به سوی ما می گردید (نعمانی، ۱۴۰۳ق: ۱۲۹).

در جای دیگر ایشان به نقل از پیامبر اکرم (ص) درباره صبر در آخرالزمان فرمود:

پس از شما کسانی بیایند که یک نفر از ایشان پاداش پنجاه نفر از شما را داشته باشد. (اصحاب) گفتند: ای رسول خدا ما در جنگ بدر واحد و حنین با تو بودیم و درباره ما آیه نازل شده است؟ پیامبر (ص) فرمود: اگر آنچه (از حوادث ایام) به ایشان می‌رسد، به شما رسد، صبر آنان را نداریید (کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۸، ۳۷؛ موسوی اصفهانی، ۱۳۷۹ ش: ج ۲، ۲۹۰).

امام صادق (ع) در مورد عجله نکردن در امر ظهور نیز فرمودند:

محاضیر هلاک شدند. پرسیدند: محاضیر کدامند؟ ایشان فرمود: شتاب خواهان هلاک شدند و نزدیکی خواهان نجات یافتند. فرش‌های خانه‌های تان باشید. پس به درستی که فتنه علیه کسی که آن را برانگیخته، می‌گردد (نعمانی، ۱۴۰۳ ق: ۱۲۵).

همچنین ایشان به نقل از رسول خدا (ص) فرموده‌اند:

زمانی بر مردم خواهد آمد که حکومت جز به وسیله کشتن و ستمگری به دست نیاید، ثروت جز با غصب و بخل فراهم نگردد و محبت و دوستی جز با خارج شدن از دین حاصل نشود، پس هرکس آن زمان را دریابد و بر فقر صبر نماید در حالی که بتواند به ثروت رسد؛ بر دشمنی مردم صبر کند با این که (با از دست دادن دین) بتواند محبت مردم را جلب نماید و بر خواری و ذلت صبر کند در صورتی که قدرت عزیز شدن را داشته باشد، خداوند پاداش پنجاه صدیق از تصدیق کنندگان مرا به او خواهد داد (کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۲، ۹۱).

در جای دیگر امام صادق (ع) در مورد شکیبایی در عصر غیبت فرمود:

هر که چشم به راه دولت ما باشد و بر آزار و ترسی که می‌بیند، شکیبایی ورزد، فردای قیامت در زمره ما محشور می‌گردد (همان: ج ۸، ۳۶).

روایات فوق بیانگر این مطلب است اگر شیعیان در برابر مشکلات عصر غیبت تحمل کرده و از اهداف خود دور نشوند رستگار شده و به سوی هلاکت نمی‌رود.

راهبرد قوت - تهدید

سازمان وکالت در حدود سال ۱۳۰ هـ. ق با هدف آماده‌سازی شیعیان برای ورود به عصر غیبت، توسط امام صادق (ع) تأسیس، و به صورت گسترده و مخفیانه در دوران سایر امامان به فعالیت خود ادامه داد و تا زمان غیبت صغری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز ادامه پیدا کرد، اما با شروع غیبت کبری و فوت آخرین وکیل ایشان در سال ۳۲۹ هـ. ق، رسالت سازمان وکالت به

اتمام رسیده و منحل گردید. این راهبرد به دلیل تهدیدهایی که در کمین شیعیان و امام صادق علیه السلام بود توسط ایشان برای حفظ جامعه شیعی و گذراندن شیعیان از این پیچ خطرناک و رهنمون ساختن به دوران غیبت ارائه شده است.

۱. بنیان‌گذاری و گسترش سازمان وکالت

بعد از روی کار آمدن منصور دوانیقی، عرصه بر شیعیان به خصوص بنی‌هاشم تنگ‌تر شد تا جایی که منصور به بهانه‌های مختلفی امام صادق علیه السلام را احضار می‌کرد و ایشان را مورد بازخواست قرار می‌داد، امام صادق علیه السلام در این وضعیت، برای پیشبرد و گسترش معارف اصیل اسلام و با در نظر گرفتن نقاط قوت و تهدید، سازمان وکالت را تأسیس کرد. در فلسفه و ضرورت تشکیل سازمان وکالت می‌توان گفت، علاوه بر گسترش جمعیت شیعیان در مناطق مختلف جامعه اسلامی و همچنین فشار شدیدی که بر اهل بیت علیهم السلام وارد می‌شد، ارتباط جامعه اسلامی عملاً با امام صادق علیه السلام خیلی محدود شده بود اما ایشان با ایجاد شبکه وکالت امور شیعیان را از طریق وکلاء رتق و فتق می‌کرد، البته این شبکه کاملاً مخفیانه عمل می‌کرد و امام نیز اشخاصی که اعتماد کامل در مورد آنها داشت را وکیل خود قرار می‌داد، تأسیس این سازمان در زمان امام صادق علیه السلام یعنی در حدود سال ۱۳۰هـ. ق انجام شد و فعالیت محدودی نیز داشت اما رفته رفته در دوران امامان بعدی به صورت گسترده به فعالیت خود ادامه داد، از مهم‌ترین وظایف سازمان وکالت در راستای آماده‌سازی شیعیان برای ورود به عصر غیبت: لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان، لزوم حفظ شیعیان و مکتب توسط امام، رفع بلا تکلیفی شیعه در عصر غیبت و آماده‌سازی شیعه برای عصر غیبت را می‌توان نام برد (جباری، ۱۳۸۲ش: ۶۱-۶۷؛ جعفریان، ۱۳۸۱ش: ۳۳۴-۳۴۰؛ جاسم، ۱۳۶۷ش: ۱۳۴).

طبق نقل کتب تاریخی، امام صادق علیه السلام شش وکیل داشتند، شیخ طوسی می‌گوید:

معلی بن خنیس وکیل امام در مدینه، عبدالرحمان بن حجاج وکیل امام در عراق بوده‌اند. ایشان نصر بن قابوس را نیز جزو وکیلان امام صادق علیه السلام نام برده و می‌گوید: نصر بن قاموس بیست سال وکیل امام بوده است (جباری، ملبوبی، ۱۳۸۹ش: ۷۵-۱۰۴).

۲. تبری

تبری بر وزن ترقی مصدر باب تفاعل از ماده «برء» و به معنای بیزاری جستن، بیزار شدن و دوری گزیدن آمده است و در اصطلاح نیز به معنی دشمنی و بیزاری از دشمنان آنان و لعن و نفرین بر آنهاست (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ج ۴، ۵۷۵).

طبق روایات وارده از امامان معصوم (علیهم السلام) یکی از مهم‌ترین وظایف شیعیان، بیزاری جستن از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) است، لذا در روایات، تبری به عنوان معیاری برای تشخیص مرز بین ایمان و عدم ایمان لحاظ شده است، امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) با استفاده از نقاط ضعف و تهدید موجود در درون و بیرون جامعه شیعی، راهبرد تبری را برای شیعیان به عنوان قطب تکمیل‌کننده تولی ارائه کردند.

امام باقر (علیهم السلام) درباره معیار معرفت خدا به ابی حمزه فرمود:

کسی خدا را عبادت می‌کند که او را شناخته باشد و اگر کسی خدا را نشناسد او را گمراهانه عبادت می‌کند. ابی حمزه می‌گوید: از آن حضرت پرسیدم: شناخت و معرفت خدا چیست؟ فرمود: تصدیق و باور به خدا و باور به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ولایت علی (علیه السلام) را داشتن و امامت و پیشوایی او و پیشوایان هدایت را پذیرفتن و از دشمنان آنها در نزد خدا بیزاری جستن حقیقت معرفت خداست (کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۱، ۱۸۰).

امام صادق (علیه السلام) درباره دشمنی نسبت به دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) در زمان غیبت می‌فرماید: چون به روزی گرفتار شدی که در آن امامی از آل محمد (صلی الله علیه و آله) را ندیدید، پس دوست بدار هر که را دوست می‌داشتی و دشمن بدار هر که را دشمن می‌داشتی و به ولایت هر که سر می‌سپردی، گردن گذار و امر فرج را صبح و عصر منتظر باش (نعمانی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۴).

به امام صادق (علیه السلام) گفتند:

شخصی شما را دوست دارد اما در برائت از دشمن شما ضعیف است. حضرت در جواب وی فرمودند: هرگز چنین نیست؛ دروغ می‌گوید هر کس که ادعا می‌کند دوست ماست ولی از دشمن ما بیزاری نجوید (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۷، ۵۸).

یکی از مهم‌ترین وظایف شیعیان، اعلام برائت از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشد هم‌چنان‌که روایات فوق از اهمیت این مقوله حکایت می‌کند، لذا شیعیان با داشتن تولی نسبت به امامان معصوم، و هم‌چنین با بیزاری جستن از دشمنان آنها، حلقه ارتباطی خود با امامان شان را محکم می‌کنند لذا تبری یکی از راهبردهای دو امام بزرگوار برای حفظ راه ولایت و امامت برای شیعیان ارئه شده است.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر براساس چارچوب سوات (SWOT)، استراتژی سیاسی - فرهنگی صادقین (علیهم السلام) در عبور از بحران‌های پیش روی جامعه شیعی را مورد بررسی قرار داده است. در ابتدا، محیط

سیاسی داخلی جامعه اسلامی (شیعیان) از لحاظ قوت و ضعف، سپس محیط خارجی را از لحاظ فرصت و تهدید مورد بررسی قرار گرفته و طبق تجزیه و تحلیل آنها و با رویکرد توصیفی تحلیلی به شناسایی راهبردهای سیاسی مورد نظر پرداخته است، در نهایت با محوریت مسئله غیبت و نزدیک شدن جامعه شیعی به آن عصر، با تلفیق الگوی راهبردی ضعف - تهدید (st) راهبرد: استقامت، مدارا و صبر در امر غیبت و همچنین با تلفیق الگوی راهبردی قوت - تهدید (st) راهبرد بنیان‌گذاری و گسترش سازمان وکالت و تبری ارائه شده است. شاهد بر مدعای فوق، روایات فروانی است که توسط این دو امام بزرگوار برای شیعیان صادر شده است توضیح این‌که در این روایات برنامه و الگوی زیست جامعه شیعی در بین سایر مذاهب و نحله‌های اسلامی و غیراسلامی ارائه شده است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۵۹ش)، *کمال‌الدین و تمام النعمه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۴ش)، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، ترجمه و توضیحات: محمدرضا انصاری محلاتی، قم: انتشارات رضی.
۳. ابن جوزی، سبط (۱۴۱۸ق)، *تذکره الخواص*، قم: شریف رضی.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵ش)، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، نهم.
۵. ابن سعد، محمد بن سعد کاتب (۱۳۷۴ش)، *الطبقات الکبری*، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: فرهنگ و اندیشه.
۶. ابن قولویه، ابوالقاسم جعفر بن محمد (۱۳۵۶ق)، *کامل الزیارات*، نجف اشرف: مرتضوی.
۷. ابن منظور (۱۳۶۳ش)، *لسان العرب*، قم: نشر ادب حوزه.
۸. اشعری القمی، سعد بن عبدالله (۱۳۶۱ش)، *المقالات والفرق*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. اصفهانی، ابوالفرج (۱۳۳۹ش)، *فرزندان ابوطالب*، ترجمه: جواد فاضل، تهران: کتابفروشی علی اکبر علمی.
۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق)، *جمل من انساب الأشراف*، تحقیق: سهیل زکار و ریاض

- زرکلی، بیروت: دارالفکر.
۱۱. پیرس، جان؛ کنت رابینسون، ریچارد (۱۳۸۰ش)، *برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک*، ترجمه: سهراب خلیلی شورینی، تهران: انتشارات یادواره کتاب، دوم.
 ۱۲. پیشوایی، مهدی (۱۳۷۵ش)، *سیره پیشوایان*، قم: انتشارات مؤسسه امام صادق علیه السلام، سوم.
 ۱۳. جاسم، حسین (۱۳۶۷ش)، *تاریخ سیاسی عصر غیبت امام دوازدهم*، ترجمه: سید محمدتقی آیت اللهی، تهران: امیرکبیر.
 ۱۴. جباری، محمدرضا (۱۳۸۲ش)، *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، اول.
 ۱۵. جباری، محمدرضا (۱۳۸۹ش)، «محمدکاظم ملبوبی»، *تاریخ در آئینه پژوهش*، شماره سوم.
 ۱۶. جعفریان، رسول (۱۳۸۱ش)، *تاریخ ایران اسلامی*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، سوم.
 ۱۷. جعفریان، رسول (۱۳۸۱ش)، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، قم: انتشارات انصاریان، ششم.
 ۱۸. حسینی دشتی، سیدمصطفی (۱۳۷۶ش)، *معارف و معاریف*، قم: انتشارات صدر.
 ۱۹. حموی یاقوت، ابو عبدالله (۱۹۹۰م)، *معجم البلدان*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۲۰. حنفی قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ق)، *یتایبع الموده*، قم: دارالاسوه، اول.
 ۲۱. خوبی، ابوالقاسم (۱۳۷۲ش)، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، قم: مرکز نشر الثقافة الاسلامیه.
 ۲۲. دفتری، فرهاد (۱۳۷۵ش)، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات فرزانه، اول.
 ۲۳. دینوری، ابوحنیفه (۱۳۷۱ش)، *اخبار الطوال*، ترجمه: محمود مهدی دامغانی، تهران: نشر نی، چهارم.
 ۲۴. ذهبی، شمس‌الدین محمد (۱۴۱۹ق)، *تذکره الحفاظ*، بیروت: داراحیا، التراث العربی.
 ۲۵. روشندل، جلیل (۱۳۷۰ش)، *تحول در مفهوم استراتژی* «مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، اول.
 ۲۶. زبیدی، محمد حسین (۱۹۷۰م)، *الحیة الاجتماعیه و الاقتصادیه فی الکوفه فی القرن الاول الهجری*،

بغداد: انتشارات جامعة بغداد.

٢٧. زرین کوب، عبدالحسین (١٣٨٦ش)، *تاریخ ایران بعد از اسلام*، تهران: انتشارات امیرکبیر، یازدهم.

٢٨. سبحانی، جعفر (١٤١٠ق)، *بحوث فی الملل والنحل*، قم: لجنة ادارہ الحوزہ العلمیة قم المقدسة، دوم.

٢٩. سیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر (١٤٠٩ق)، *تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی*، بیروت: دارالکتب العربی.

٣٠. شریف الرضی، محمد بن حسین (١٤١٤ق)، *نهج البلاغة*، قم: صبحی صالح، اول.

٣١. شریف القرشی، باقر (١٤٠٤ق)، *حیة الامام الباقر علیہ السلام*، بیروت: مؤسسة الوفاء، دوم.

٣٢. شهر آشوب، محمد بن علی (١٣٩٧ق)، *مناقب آل ابی طالب*، تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات علامه، چهارم.

٣٣. شهرستانی، ابی الفتح محمد بن عبدالکریم (١٣٩٥ق)، *کتاب الفصل فی الملل والاهواء والنحل*، بیروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر.

٣٤. طباطبائی، سید محمد حسین (١٣٧٤ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، پنجم.

٣٥. طباطبائی، سید محمد؛ قیاسی، امیر (١٣٩٢ش)، «راهبرد سیاسی و امنیتی ایالات متحده آمریکا در قبال چین (٢٠٠٨-٢٠١٢) براساس تئوری موازنه نرم»، *فصل نامه مطالعات جهان*، دوره ٣، شماره ٢.

٣٦. طباطبائی، سید محمد؛ قیاسی، امیر (١٣٩٢ش)، «راهبرد سیاسی و امنیتی ایالات متحده آمریکا در قبال چین (٢٠٠٨-٢٠١٢) براساس تئوری موازنه نرم»، *فصل نامه مطالعات جهان*، دوره ٣، شماره ٢.

٣٧. طبرسی، ابی منصور احمد بن علی بن ابیطالب (١٤١٦ق)، *الاحتجاج*، قم: دارالاسوة، دوم.

٣٨. طبری، محمد بن جریر (١٣٦٣ش)، *دلائل الامامة*، قم: منشورات الرضی، سوم.

٣٩. طبری، محمد بن جریر (١٣٧١ش)، *تاریخ طبری*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، چهارم.

٤٠. طبری، محمد بن جریر (١٩٨٧م)، *الامم والملوک (تاریخ الطبری)*، بیروت: مؤسسه عزالدین.



۴۱. طقوش، محمد سهیل (۱۳۹۱ش)، *دولت امویان*، ترجمه: حجت الله جودکی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ششم.
۴۲. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۰۹ق)، *دراسات و بحوث فی التاريخ والاسلام*، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه.
۴۳. عاملی، شیخ حر (۱۳۲۳ق)، *وسائل الشیعه*، تهران: چاپ امیر بهادر.
۴۴. علوی، حسن (۱۳۷۶ش)، *شیعه و حکومت در عراق*، ترجمه: محمد نبی ابراهیمی، تهران: انتشارات سوره مهر، اول.
۴۵. عمادزاده، حسین (۱۳۶۲ش)، *زندگانی معلم کبیر حضرت امام صادق علیه السلام*، تهران: انتشارات گنجینه.
۴۶. غفاریان، وفا؛ کیانی، غلامرضا (۱۳۸۷ش)، *استراتژی اثربخش*، تهران: فرا.
۴۷. فدوی بنده قرائی، احمد؛ کرامیان، سعیده سادات (۱۳۹۲ش)، «الگوی راهبرد سیاسی، امنیتی در فراگرد توسعه اسلامی - ایرانی»، *دوفصل نامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی*، دوره ۲، شماره ۳.
۴۸. فدوی بنده قرائی، احمد؛ کرامیان، سعیده سادات (۱۳۹۲ش)، «الگوی راهبرد سیاسی، امنیتی در فراگرد توسعه اسلامی - ایرانی»، *دوفصل نامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی*، دوره ۲، شماره ۳.
۴۹. قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱ش)، *تاریخ قم*، ترجمه: حسن بن علی قمی، تحقیق: سید جلال الدین تهرانی، قم: انتشارات توس، اول.
۵۰. قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹ش)، *منتهی الآمال*، تحقیق: ناصر باقری بیدهندی، قم: انتشارات دلیل ما، اول.
۵۱. کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸ق)، *اختیار معرفة الرجال*، تلخیص: محمد بن حسن طوسی، مصحح: حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد (دانشکده الهیات و معارف اسلامی، مرکز تحقیقات و مطالعات).
۵۲. کلینی، محمد (۱۳۶۲ش)، *اصول کافی*، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، تهران: اسلامیه، دوم.
۵۳. لتحصین الاسدی، احمد بن محمد بن فهد الحلّی (۱۳۷۷ش)، *التحصین و صفات العارفین*، ترجمه: سید علی جبار گلباغی ماسوله، قم: انتشارات لاهیجی.

۵۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم.
۵۵. محری، غلامحسین (۱۳۸۲ش)، تاریخ تشیع از پیدایش تا پایان غیبت صغری، بی جا: انتشارات فصالح.
۵۶. محمدجعفری، سیدحسین (۱۳۷۳ش)، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه: سید محمدتقی آیت‌اللهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، هفتم.
۵۷. مدیر شانه چی، کاظم (۱۳۶۲ش)، علم الحدیث و درایة الحدیث، قم، دفتر انتشارات اسلامی، سوم.
۵۸. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۶۷ش)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، سوم.
۵۹. مشکور، محمدجواد (۱۳۶۸ش)، فرهنگ فرق اسلامی، مشهد: آستان قدس رضوی، اول.
۶۰. مفید، محمدبن محمد بن نعمان (۱۳۷۶ش)، الارشاد، ترجمه: محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران: اسلامیه، سوم.
۶۱. مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴ش)، آفرینش و تاریخ، ترجمه: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات آگه، اول.
۶۲. مقریزی، نقی‌الدین ابوالعباس احمد بن علی (۱۴۱۸ق)، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، بیروت: دارالصادر.
۶۳. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی (۱۳۷۹ش)، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، ترجمه: حجت‌الاسلام سید محمد مهدی حائری قزوینی، تهران: انتشارات دفتر تحقیقات و نشر بدر، چهارم.
۶۴. موسوی، عباسعلی (۱۴۱۱ق)، فی رحاب الصحیفه السجادیه علی بن حسین علیه السلام، بیروت: انتشارات دار المرتضی.
۶۵. میرسلیم، مصطفی؛ حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۸ش)، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، دوم.
۶۶. نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۴۰۳ق)، کتاب الغیبه، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۶۷. نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل‌البت علیهم السلام، اول.

۶۸. واسطی زبیدی، محب‌الدین سیدمحمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق و مصحح، علی شیری، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، اول.
۶۹. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۳ش)، تاریخ یعقوبی، قم: انتشارات شریف رضی، اول.

